

ارزیابی قرار داد و نباید بر حسب اقتضاء سیاستی خاص آنها را تحریف نمود. متأسفانه تاریخ‌نگارانی که پیشتر از ایشان نام بر دیم و نسخه بدل‌های آنها، در نوشته‌های خویش یکسویه‌نگری کرده و ترکان را نادیده گرفته‌اند. در تألیفات اینان گویی قوم یا اقوامی بنام ترک هرگز در آسیای میانه و شرق نزدیک وجود نداشته‌اند. این مورخان اجداد ترکان را که در تاریخ به نام‌هایی دیگر خوانده شده‌اند، آریایی قلمداد کرده‌اند. به عنوان مثال سید اسماعیل وکیلی درباره سکایان چنین می‌نویسد:

«سکایان مردمی جنگجو بودند و اغلب به سرزمین‌های گرجستان و آران و آذربایجان حمله‌ور می‌شدند... واژه‌هائی که در زبان سکایان به جا مانده نمودار شناخت فراوان زبان‌های سکایی و آسی است که هر دو گروه زبان‌های ایرانی به شمار است»^(۱).

در حالیکه همه اسامی طوایف و اشخاص که از سکایان بازمانده واژه‌هایی ترکی هستند و ما در جای خود به طور مفصل در این باره بحث خواهیم کرد.

۱- وکیلی، سید اسماعیل، آذربایجان پیش از تاریخ و پس از آن، تهران ۱۳۶۲ ج ۱، ص ۵۱

پیشگفتار

برای اینکه تصویری از جغرافیای مناطق سکونت و آمار قرین به یقین شهروندان ترک زیان ایران بخصوص ترکان آذری در اذهان خوانندگان مجسم شود سطوری از کتاب «بحشی درباره زیان آذربایجان» نوشته محمد رضا شعار که در ۱۳۲۶ شمسی نگارش یافته در اینجا نقل می‌گردد. نوشه‌های آقای شعار که خود اهل تبریز و ترک است از آن جا که از مخالفان زیان ترکی است، بی‌شك یکی از اولین منابع اطلاعاتی صحیح درباره شمار و قلمرو سکونت ترکان ایران است. آقای شعار می‌نویسد:

«با کمال سعهٔ صدر و بدون تجاهل و عناد باید قبول نمود که در تمام سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام تا امروز از طاهریان و صفاریان و سامانیان و غزنویان و غوریان و قراختائیان و دیالمه (آل بویه و زیار) خوارزمشاهیان و چنگیزیان و هلاکوئیان و تیموریان و اتابکان فارس و آذربایجان (قراقویونلوها، آغقویونلوها و اتابکان کرمان فراموش شده. م) و صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه و پهلوی جز سه چهار سلسله مهم بقیه همگی ترک زیان بوده و با اینکه در پیشرفت فرهنگ فارسی و ترویج بازار شعر و ادب و تشویق نویسنندگان و علماء و احیاء تاریخ باستانی و علوم متداوله عصر همه گونه بذل مساعی نموده‌اند ولی چون زبان آنان ترکی بوده خواه ناخواه لغتهای ترکی به تعداد معنابهی در ادبیات فارسی وارد نموده و بعلاوه در قسمت زبان پاره‌ای از ایالات ایران تغییر لهجه و حتی تغییر زبان توده را من غیر عمد باعث و یا مؤید بوده‌اند.

امروز از بیست و دو میلیون جمعیت تقریبی ایران نصف بیشتر آن را به طور حتم ایرانی‌های ترک زیان تشکیل می‌دهند. تأثیر عنصر ترک از قرون اوایله بعد از اسلام تاکنون در تمام شئون اجتماعی و فرهنگی ما به اندازه‌ایست که امروزه گذشته از اینکه تعداد قابل توجهی در تمام نقاط کشور چنانکه قبل اشاره رفت ترکی حرف می‌زند اساساً در ضمن صحبت‌های اهالی فارسی زیان و در نوشتگات رسمی و مذهبی واژه‌های ترکی از مغولی و جغتائی و تاتاری و عثمانی و غیره و غیره دیده و شنیده می‌شود تا جایی که بعضی از لغتهای ترکی را در لهجه تهرانی و شیرازی می‌شنویم و حال آنکه در آذربایجان آنها را نمی‌شناسند.

بنابر این تأثیر زیان در لهجه ایرانیان چنانکه گذشت مخصوص آذربایجان بوده و تقریباً در تمام و یا اغلب زوایای کشور رخنه کرده کتب معتبر قدیمی بویژه آنها که از قرن هفتم به بعد به وسیله دانشمندان ایرانی تألیف شده‌اند از قبیل دره نادری، تاریخ معجم، عالم آرای عباسی

کتاب تجزیه‌الامصار و تجزیه‌الاعصار^(۱) معروف بوصاف، روضة‌الصفا و ناسخ‌التاريخ و قریب صد کتاب معتبر علمی و ادبی و تاریخی دیگر حاوی لغتهای خالص و مطلق ترکی می‌باشد که امروزه اسباب اعجاب و عبرت ناظرین است.^(۲)

مؤلف سپس نمونه‌هایی از این واژه‌های قدیمی و خالص ترکی استفاده شده در متون فارسی را ارائه داده و پی نویس زیر را ضمیمه سخنان خود کرده است:

«علاوه بر آذربایجان شرقی و غربی که تقریباً آبادترین و پر جمعیت‌ترین استانهای ایرانند و گذشته از شهرستانها و بخش‌های واقعه در دشت گرگان از گمش تپه و گنبد قابوس و امچلی و حاجیلر و رامیان و تمام اهالی پنج شهر پر جمعیت خمسه، زنجان و ابهر و خرمدره، طارم، در نقاط مشروحة پایین نیز تکلم عادی اهالی متأسفانه به ترکی است. قسمتی از اراک و توابع از قبیل بلوك، سرابند، بزچلو و بعضی از قراء کمره از توابع خمین، بیشتر شهرهای گیلان و مازندران از بهشهر و چالوس و شاهی و بندر پهلوی و آستارا، قسمتی از شهر مشهد و سایر شهرستانهای خراسان از در بجنورد و در جز و غیره و توابع مضافات آنها قسمتی از همدان و تمام اطراف آن بجز سه قصبه مراد پیک و مریانه و حصار پیازکارها حومه اصفهان و اطراف یزد و شهرها و بخش‌های قشقایی نشین فارس و قسمت عمده توابع تهران از شهریار و غار و کرج و لوسانات تمام دهات و بخش‌های واقعه بین همدان و قزوین و کلیه بخش‌های اطراف قزوین، حومه قم و ولایات ساوه و زرند و کهک تا حدود قم و کلخوران و فراهان».^(۳)

از دیرباز در ایران علاوه بر فارس‌ها و ترکان آذری اقوام کرد، بلوج، عرب، ترکمن، گیلک و لر نیز سکونت داشته‌اند. ایران از دیرباز سرزمینی کثیر الملّه بوده است. لیکن این وجه غیر قابل انکار در دوران پهلوی، با تلقین امپریالیزم انگلیس مورد انکار قرار گرفت و برخی تئوری پردازان شروع به بیگانه، موقت و از میان رفتنی قلمداد نمودن زبان سایر اقوام غیر فارس ایران کردند. بنظر سیداحمد کسری زبان مردم آذربایجان تا زمان هجوم مغولان "آذری" که به زعم وی دارای ریشه فارسی است، بوده و در دوران متأخرتر به ترکی تبدیل شده است. بهمین دلیل نیز این زبان باید از بین برود بعدها شاگردان وی پارا فراتر نهاده مدعی شدند که غالب اهالی آذربایجان تا قرن ۱۷ م. فارس زبان بوده‌اند و زبان ترکی پس از این زمان در آنجا انتشار یافته

۱- نام صحیح این کتاب «تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار» معروف به تاریخ و صاف است، لیکن در تأثیف محمد رضا شعار، این نام به اشتباه، به صورتی که در متن فوق آمده، قید گردیده است. [ترجم]

۲- شعار، محمد رضا، درباره زبان آذربایجان، صص ۳۹-۴۰

است.

اکنون باید دید که تاریخ آذربایجان در خصوص هویت ملی و زبان مردم این خطه چه می‌گوید.

منابع تاریخ

- برای بررسی و شناخت هر حادثه تاریخی منابع زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۱- نوشه‌ها و کتبه‌های متعلق به اشخاص معاصر رویداد مزبور
 - ۲- آثار و مدارک تاریخی اعم از زیر خاکی و غیره...
 - ۳- نتایج بررسیها و آثار دانشمندان و تاریخ نگارانی که معاصر رویداد مزبور نبوده‌اند.

از میان منابع مذکور مهمترین منبع در پژوهش تاریخ تقریباً چهار هزار ساله آذربایجان تا ظهور اسلام، آن آثار، تأیفات و کتبه‌هایی هستند که یا بطور تصادفی و یا در نتیجه حفریات علمی و مستقیماً از اراضی آذربایجان بدست آمده‌اند. منظور از این منابع، کتب تاریخی، آثار ادبی و هنری و کتبه‌هایی است که مقارن با حادثه، یا حوادث تاریخی مشخصی تحریر یافته و بطور مستقیم دربارهٔ حوادث مربوطه و زبان معمول آن دوره اطلاعاتی بدست می‌دهند. این منابع همچنین شامل بناهای، آثار هنری، ظروف و دیگر آثاری است که در مورد تمدن، شیوه زندگی، هنر، سطح علم، جهان یینی، پیشه و... انسان‌های معاصر رویداد مورد نظر اطلاعاتی مستند ارائه نماید.

این نوع منابع، نخستین مدارک قطعی و اصلی و بی‌چون و چرا در بررسی هر حادثه تاریخی از جمله تاریخ آذربایجان است و هیچکدام از منابع دیگر قادر به رد و ابطال آنها نیستند. لیکن با کمال تأسف باید گفت که عجالتاً آثار اندکی از این گونه منابع که اساسی‌ترین وسیله شناخت تاریخ پیش از اسلام ما می‌باشد در دست است.

متاسفانه تاکنون در اراضی ای که جزو قلمرو دولت ماننا-ماد بوده، حفاری و پژوهش‌های مهمی صورت نگرفته است. نه اراضی بخش‌های شمالی، جنوبی و غربی دریاچه ارومیه که جزو قلمرو دولت ماننا بوده مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته، نه آثار مدفون و محل دفن آنها در اراضی هشتاری، میانه، زنجان و قزوین آشکار شده، نه ابنیه و عمارت‌ها و کاخهای بزرگ سلطنتی در همدان پایتخت دولت ماد مکشف گردیده، نه جای هفت باروی همدان که هر یک بلندتر از قبلی و به هفت رنگ مختلف ملؤن بوده‌اند مشخص شده و نه محل نخستین آتشکده زرتشتیگری (آتشکده آناهیتا در همدان) که یکی از نیایشگاه‌های باشکوه و ثروتمند این آیین بود معلوم گشته است. نواحی مورد اشاره و بطور کلی هر نقطه از آذربایجان اثری از تاریخ باستان ما را در سینه خود جای داده است. گیرشمن می‌نویسد:

«حتی امروزه سراسر محوطه ایران از نظر تحقیقات باستان‌شناسی بکر و دست نخورده

مانده است.»^(۱).

شهر شیز = گنzk (تخت سلیمان کنوئی) که در دوران سلوکیان، اشکانیان، و ساسانیان پایتخت آتروپاتن بوده است، تاریخ تقریباً ۲۵۰۰ ساله آذربایجان کهن را در سینه خود نهفته دارد. از نیایشگاه بزرگ و باشکوه آذرگشتنسب که از قدیمی‌ترین دوره‌ها در همین شهر وجود داشته تقریباً چیزی جز یک اسم باقی نمانده است. در صورتیکه این محل و جاهایی از این قبیل که ارتباطی نزدیک با تاریخ باستان ما دارند باید با نظارت هیأتهای علمی مورد حفاری و پژوهش‌های باستان‌شناسانه قرار گیرد و بدینسان نکات مبهم تاریخ ما روشن گردد. حفاری‌های علمی در تخت سلیمان که تقریباً ۳۰ سال پیش توسط اروپائیان انجام شد، ناتمام و ناقص ماند و نتایج حاصله نیز برای ما روشن نیست.

دومین منبع اساسی در بررسی تاریخ آذربایجان کهن کتبه‌ها، اسناد و مدارک مکتوب، آرشیوهای دولتی، و کتبه‌های پادشاهان است که در نتیجه حفاری‌های باستان‌شناسی در قلمرو دولتها به دست آمده است که در آن دوران با آذربایجان هم‌جوار و دارای مناسبات سیاسی، اقتصادی و... با آن بوده‌اند.

گرچه مطالب این اسناد و مدارک در بیان مسائل گاه راه افراط و تفریط پیموده و از حقیقت دور افتاده، با منافع دولت و پادشاهی که آنها را نقر کرده همسو است، لیکن بواسطه آنها می‌توان به حقایق تاریخی بسیاری در مورد دولتها ماننا و ماد دست یافت. مثلاً می‌توان تاریخ و محل وقوع جنگها، اسامی پیشوایان و فرمانروایان، اسامی و موقعیت برخی شهرها و دژها، نوع سلاح و ساختار سپاه در آذربایجان آن عهد را با استفاده از این اسناد باز آموخت.

از این نظر عملیات حفاری و پژوهش‌های باستان‌شناسی که در قلمرو دولتها قدیمی سومر - اکد، بابل، ایلام، مصر، آشور، اورارتو، هخامنشی، ساسانی و نیز در سوریه، فلسطین و دیگر نواحی انجام شده و آثار تاریخی بازمانده از آن دولتها، شایان توجه است. تا امروز یکی از منابع اساسی مورد استفاده کسانی که تاریخ باستان آذربایجان را تحریر کرده‌اند، همین کتبه‌ها، اسناد و مدارک و کتب بوده است و ما نیز بعنوان یک منبع اساسی از آن‌ها بهره جسته‌ایم.

سومین منبع در شناخت تاریخ باستان ما پژوهشها و تألیفات مورخان قدیم یونانی، رومی، آشوری، ارمنی و مانند آن در مورد حوادث پیش از روزگار خودشان است، مانند اطلاعاتی که هرودوت درباره پادشاهان مادی و هخامنشی و جز آن ارائه می‌دهد. خواه اثر هرودوت و خواه آثار دیگر مورخان قدیم گرچه گاهی با افسانه‌ها در آمیخته و در آنها غرض‌ورزی و مبالغه در

بزرگ یا کوچک‌نمایی مسائل مشاهده می‌شود مع‌هذا از منابع اساسی بشمار می‌آیند. ترجمه کامل آثار این مورخان به زبان ترکی و قرار دادن آنها در اختیار تاریخ‌نگارانمان یکی از وظایف مهم ملی است.

یکی از منابع جدید و بسیار مهم در بررسی تاریخ ملی‌مان، آثار تاریخی دانشمندان تاریخ‌نگار اروپا، سوروی سابق، امریکا و غیره است که براساس آثار و اسناد و مدارک بدست آمده از حفاریها به رشتہ تحریر در آمده‌اند. از سده ۱۹ میلادی هیئت‌های علمی فرانسوی، آلمانی، انگلیسی، روسی و آمریکایی در مراکز تمدن‌های قدیم در نقاط مختلف خاور به حفاری پرداخته، اطلاعات تاریخی گرانبهایی بدست آورده و مسائل مبهم بسیاری را در تاریخ اقوام شرق باستان، از جمله در تاریخ مردم آذربایجان، روشن ساخته‌اند.

آثار تاریخی‌ای که مورخان دوره اسلامی به رشتہ تحریر در آورده‌اند نیز تا اندازه‌ای در شناخت تاریخ آذربایجان باستان سودمند می‌باشند.

امروزه تقریباً از سوی مراکز علمی همه کشورها و ملت‌های ترک و کانونهای تورکولوژی حفاری‌های علمی جالب توجهی در ارتباط با تاریخ عمومی ترک انجام می‌گیرد و با بررسی و مطالعه آثار بدست آمده از این حفریات رسالات تاریخی و علمی مهمی به رشتہ تحریر در می‌آید. این آثار تحقیقی بدون تردید تا اندازه‌ای با تاریخ آذربایجان باستان مربوط بوده و بر زوایای تاریک آن پرتو می‌افکند.

مقدمه‌ای بر تاریخ آذربایجان باستان

نخستین اجتماعات، اقوام، دولتها و تمدن‌های منطقه

تاریخ باستان آذربایجان همچون تاریخ باستان منطقه شامل دو دوره می‌باشد.

۱- دوران پیش از تاریخ

۲- دوران تاریخی

ما در این کتاب در خصوص دوران پیش از تاریخ آذربایجان کمتر سخن خواهیم راند. چرا که دوران مذکور در پرتو پژوهش‌های دانشمندان آذربایجان شمالی تا اندازه‌ای روشن گشته است. هدف ما در این اثر پرتو افکندن بر زوایای تاریک دوران تاریخی آذربایجان در حد امکان است. بدین منظور اجمالاً به تاریخ اقوام قدیم منطقه شرق نزدیک نظری افکنده و از اجتماعات، اقوام و تمدن‌های نخستین منطقه سخن رانده و خواهیم کوشید تا تاریخ دوران باستان آذربایجان را در ارتباط با این اقوام و تمدنها مورد بررسی قرار دهیم.

بررسی‌های گسترده علمی ثابت نموده است که آریائیان از ۹۰۰ سال پیش از میلاد به منطقه شرق نزدیک درآمده‌اند. ندرتاً بنظر برخی مورخان این اقوام از ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد به خاور نزدیک و میانه از جمله فلات ایران سرازیر شده‌اند و جریان این سرازیری تا ۶۰۰ سال پیش از میلاد یعنی بمدت ۸۰۰ سال ادامه یافته است.

برخی پژوهشگران تاریخ باستان نیز برآورده که آریاییان اول بار ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد به این منطقه از جمله به فلات ایران درآمده، لیکن در میان ساکنان محلی و بومی منطقه مستحیل شده و از میان رفته‌اند. آریائیان بار دوم در ۹۰۰ سال ق.م. ضمن مهاجرتهای بزرگتر به منطقه سرازیر و این بار بر ساکنان بومی چیره شده و برخی نواحی منطقه را که برای سکونت مناسب بود تصرف کرده‌اند.

لیکن باید گفت که سخن راندن از نژاد آریایی و یا اقوام هند و اروپایی زیان در سالهای پیش از آغاز سده نهم قبل از میلاد در منطقه و به تبع آن در فلات ایران و آذربایجان بی معنی است، چراکه موج سرازیری آریائیان به این منطقه از همین تاریخ آغاز گشته است.

در این صورت برآورندگان نخستین دولتها و تمدن‌های منطقه شرق نزدیک، پیش از ورود آریائیان به این ناحیه، چه کسانی بوده‌اند؟ به گواهی تاریخ نخستین اقوامی که به این منطقه درآمده، تمدن و دولتی پدید آورده‌اند سومریان، ایلامیان، اکدیان، کاسیان، هوریان، یهودیان،

هیت‌ها، فینیقیان، کوتیان، لولویان، ماننایان و... بوده‌اند.

تاریخ‌نگاران و زبان‌شناسان در نتیجه پژوهش‌های اخیر به این نتیجه کلی رسیده‌اند که اقوام ساکن منطقه مزبور در فاصله هزاره‌های چهارم تا دوم ق. م به لحاظ قومی و زبانی به دو گروه منقسم بوده‌اند:

۱-اقوام التصاقی زبان شامل: سومریان، ایلامیان، هیتی‌ها، کاسیان، لولویان، اورارتیان و ماننایان و....

۲-اقوام سامی زبان شامل: یهودیان، فینیقیان، آشوریان، کلدانیان و اکدیان و... از میان اقوام مزبور، اکنون توضیحاتی درباره تاریخ و تمدن اقوامی که با تاریخ آذربایجان کهن مربوط بوده‌اند و نیز چگونگی این ارتباط ارائه خواهیم داد.

سومریان

سومریان در نواحی جنوبی عراق کنوی (بین النهرين) و قسمت‌های شمال‌غرب خلیج فارس از جمله در بابل مستقر گشته و تمدنی پیشرفت‌هه پدید آورده بودند. عجالتاً بدرستی روشن نیست که سومریان دقیقاً چه زمانی به این ناحیه درآمده‌اند. بنظر پژوهشگران تاریخ باستان سومریان در ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد نخستین تمدن در خشان بشری را در نواحی مذکور پدید آورده و شهرهایی چون اور - اوروک، ائرئخ، نیپ پور، کیش، لکش، لرساکه مراکز مهم تمدن بشری آن روز بوده‌اند را بوجود آورده‌اند.

می‌توان گفت که امروزه همه محققان تاریخ باستان برآنند که سومریان از آسیای میانه یعنی از موطن اصلی ترکان به بین النهرين مهاجرت کرده‌اند. علی پاشاصالح، حقوق‌شناس نامی در اثر خود بنام «تاریخ حقوق» در خصوص اصل و تبار سومریان و قوانین آنها چنین می‌نویسد:

«نزدیک شش هزار سال پیش در جستجوی زمینهای حاصلخیز قومی بنام سومری از راه قفقاز و شمال غربی ایران به نواحی جنوبی بین النهرين آمدند و در سرزمینی واقع در جنوب مرکزی عراق که سومر نامیده شد و بعد به بابل معروف گردید سکنی گزیدند و بخط میخی روی هزاران لوح گلی قوانین و سرگذشت خود را به زبان سومری نوشتند. الواح مزبور در موزه‌های بزرگ جهان نگهداری می‌شود. بیش از نواد در صد الواح و استوانه‌ها و آثار دیگر استنادیست مربوط به امور اداری و اقتصادی و حقوقی و احکام محاکم و قباله‌های نکاح و معاملات و وصایا و قبوض ذمّه و نامهای خدایان و امکنه و اشخاص»^(۱).

نه تنها تاریخ‌نگاران، بلکه حتی برخی از علمای زبان‌شناس نیز تأیید می‌کنند که سومریان از آسیای میانه برخاسته‌اند بعنوان مثال دکتر پرویز ناتل خانلری در مورد منشاء سومریان و اینکه آنان صاحب قدیمی‌ترین نوشه‌های تمدن بوده‌اند چنین می‌نویسد:

«زبان سومری کهن‌ترین زبان نوشته شده نوع بشر است. قومی که سومری خوانده می‌شود از قدیمی‌ترین زمان در مصب رودهای دجله و فرات یعنی فاصله میان بابل قدیم و خلیج فارس مستقر شده بود. اینان از حیث نژاد به هیچ یک از ملت‌های همسایه خود شباهت نداشتند. تمدن و فرهنگ ایشان که کهن‌تر از همه فرهنگ‌های آسیای غربی است شاید در همان مسکن ایشان ایجاد شده و پرورش یافته بود. اما از روی بعضی قرائی این گمان هم می‌رود که نخست از مشرق

۱- پاشاصالح، علی، سرگذشت قانون، مباحثی از تاریخ حقوق، تهران ۱۳۴۸ صص ۱۹-۲۱

یا شمال شرقی به آن سرزمین آمده باشند»^(۱).

پژوهشگران تاریخ باستان بر اساس پژوهشها و نتایج حفريات علمی نشان می‌دهند که حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد سومریان و سپس ایلامیان از آسیای میانه و غرب اورال حرکت نموده باگذرا از شمال دریای خزر و معاابر قفقاز و آذربایجان سومریان در اراضی عراق کنوی و ایلامیان در نواحی خوزستان و لرستان و دامنه‌های زاگرس و تا حدودی در دو سوی این سلسله جبال مسکن گزیده‌اند. حسن پیرنیا هنگام بحث پیرامون خاستگاه سومریان و ایلامیان پس از اشاره به نظریات گوناگون در این خصوص می‌نویسد:

«اکنون بیشتر به این عقیده‌اند که قبل از آنکه مردمان بنی سام (سامیان. م) به اینجاها (بین‌النهرین. م) آمده باشند سومریها سواحل خلیج پارس را اشغال کرده بودند (این نظریه کینگ دانشمند سومرشناس است. م) اما اینکه اکدیها و سومریها از کجا آمده‌اند چون در نزدیکی عشق‌آباد (کورنگ تپه. م) و استرآباد (کورگان آنو. م) و دره گز اشیاء سفالین، ظرف سنگی، اسلحه مسین و اشیاء دیگر بدست آمده که شیوه ساخت آنها ایلامی است و روی گلدانی از طلا صورتهای سومری منقور است، بعضی گمان می‌کنند که بین تمدن ایلامی و تمدن ماوراء دریای خزر (منظور آسیای میانه است. م) ارتباطی بوده و شاید سومریها از طرف شمال برأس خلیج پارس و جلگه بابل آمده باشند. بهر حال از حفريات آمریکائیها در «نیپ پور» که یکی از شهرهای سومری است و کشف فهرست سلسله‌های زیاد از پادشاهان این قوم علاوه بر آنچه بود محقق شده است که بیش از سه هزار سال قبل از میلاد سومریها گذشته‌های مفصل داشتند، و بابل مرکز تمدن آنها بوده است...»^(۲) همین جملات را علی پاشا صالح نیز در «تاریخ حقوق» نقل کرده است.^(۳) این نظریه که خاستگاه سومریان آسیای میانه بوده است امروزه مورد تأیید اکثر دانشمندان اروپایی است. مثلاً مؤلفان «تاریخ حقوق» دانشکده هامیلتون به صراحت می‌نویسند که «قدیمی‌ترین ساکنان بابل یعنی سومریان غیر سامی و شاخه‌ای از شاخه‌های قوم مغول بوده‌اند»^(۴).

براساس روایات کتب قدیم بنی اسرائیل بابل قدیمی‌ترین سکونتگاه بشر بوده است.

۱- نائل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، تهران ۱۳۴۸ ج ۱ ص ۱۷۹

۲- پیرنیا، حسن، ایران باستان، ج ۱ صص ۱۱۳-۱۱۴ ۳- ر.ک پاشا صالح، علی، همان، ص ۹۰

۴- همان، ص ۹۶

سومریان پدیدآورندگان نخستین تمدن عالی بشری

تا پیش از قرن بیستم تاریخ‌نگاران بطور کلی معتقد بودند که نخستین تمدن بشری در مصر و یونان بوجود آمده است. لیکن تحقیقات باستان‌شناسی و پژوهش‌های علمی از اوایل قرن بیستم این ادعا را منسوخ کرد. اکنون بر اساس دلایل و مدارک متقن روشن شده است که نه تنها نخستین تمدن بشری در مصر بوجود نیامده، بلکه تمدن مصر، خود از تمدن سومر مأخذ دارد.

پروفسور «وولی»^(۱) محقق نامی تاریخ باستان که از سوی دانشگاه پنسیلوانیا و موزه بریتانیا به عنوان رئیس هیأت باستان‌شناسی در حفريات شهر «اور» حضور داشته است در کتابی که پس از این حفريات بر شته تحریر درآورده بصورت قطعی اثبات نموده است که «تمدن این قوم (سومر. م) در بین النهرين دو هزار سال پیش از مصریها به اوج شهرت رسیده و فرضیه تقدّم زمانی تمدن مصر را در هم شکسته و مردود دانسته است سومریها ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مراحل عالیه فرهنگ را پیموده و پیشو و مصر و آشور و آسیای صغیر و کرت و یونان بوده‌اند»^(۲). نه تنها تمدن مصر و یونان برآمده از تمدن سومری است بلکه حتی مجموعه قوانین حمورابی - که وی تا سالهای اخیر به عنوان نخستین قانونگذار در تاریخ بشر مطرح بود - نیز چنانکه در زیر اشاره خواهیم نمود در واقع چیزی جزگزیده و مجملی از قوانین سومری نیست. تمدن‌های مصر و یونان و همه مدنیت‌های کهن که با شرق میانه و نزدیک مربوط بوده‌اند تحت تأثیر تمدن‌های سومر و ایلام باستان بوجود آمده‌اند.

لوبوانت از متخصصان تاریخ باستان می‌نویسد:

«اقوام بیابانگرد دیگری از نژاد سام در حدود ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ سال پیش از مسیح ناحیه بابل را ترک گفتند و راه فلسطین و مصر را پیش گرفتند. تمدن عبری و تاریخ یهود و قانون آن قوم بوسیله تورات مضبوط است. مانند طوایف دیگر آن سرزمین عبریها مردمی بتپرست و بادیه‌نشین بودند. ابراهیم خلیل که ریاست آنها را داشت دو قرن پیش از حمورابی در کلده زندگانی می‌کرد.

در همان ایام اقوام دیگری بنام اتروسک^(۳) و سیکول^(۴) بسوی غرب مهاجرت کردند و نخستین ساکنان ایتالیای مرکزی اتروسک‌ها بودند که شهرهایی بنا نهادند و تمدن ساکنان

1- Woolley

۹۱ - پاشاصالح، علی، پیشین، ص

3- Etrusques

4- Sicules

سواحل دریای اژه را (بین آسیای صغیر و یونان) در حوزهٔ غربی پایه‌گذاری کردند. سیکولها در جنوب شبه جزیرهٔ ایتالیا و همچنین در جزیرهٔ سیسیلیا (صقلیه) اقامت کردند.

فنيقيها که در آن روزگار مردمی دریانورد و مانند عربها از نژاد سامی بودند در شهرهای مستقلی مستقر شدند و در امتداد ساحل به بازرگانی پرداختند و به اختراعاتی توفيق یافتدند. از جمله الفباپی ساختند که مورد استفادهٔ یونانیان نیز قرار گرفت. قوم دیگری از کرت (اقریطش) برخاست و از سه هزار سال تا ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد تاریخ درخشانتر و کهن‌تری در تجارت دارد.^(۱).

سومریان نخستین قانون‌گذاران تمدن بش روی

چنانکه پیشتر اشاره نمودیم امروزه تقریباً همهٔ متخصصان تاریخ باستان معتقدند که سومریان نخستین قانون‌گذاران تمدن بش روی بوده‌اند و قوانین حمورابی نیز مدت‌ها پس از قوانین سومری و براساس آن پدید آمده است، نظر علی پاشا صالح در این خصوص شایان توجه است وی می‌نویسد:

«مجمع القوانین حمورابی پس از ویرانی سومر از روی قوانین قدیم سومریها و عادات و رسوم آنها نوشته شد و بیشتر مندرجات آن مقتبس از مجموعهٔ قوانینی است که دنگی Dungi پادشاه اور تدوین کرده بود. پادشاهان دودمان ایسن نیز به تدوین قانون پرداختند.^(۲)

علی پاشا صالح از زیان محققین اروپائی چنین می‌نویسد: «سومریها نخستین ساکنان بابل بوده‌اند که از قدیم الایام به شهرنشینی خو گرفتند و به قوانین کشور خود گردن نهادند. دلیل و مستند این مدعی استناد و مدارکی است که دربارهٔ برده فروشی و معاملات اراضی بدست آمده و مربوط به روزگاران بسیار دیرین آن سرزمین است.^(۳)

نه تنها در قدیمی‌ترین ادوار تاریخی بلکه همواره در تمامی دوره‌ها، متناسب با مقتضیات زمانی قوانینی از سوی حکمرانان سومری تدوین یافته است. مثلاً کتبه‌های اُروکجینا urukajina پادشاه لاگاش (در حدود ۲۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح) حاکی از کوشش‌های او در راه حفظ آداب قدیم و جلوگیری از تعدیات و اجحافات روحانیان و مأموران طماع دیوان و اخاذیهای

ایشان از بینوایان است. سندی مربوط به تقریباً ۲۴۰۰ سال پیش از میلاد بدست آمده و حاکی از آن است که در لاگاش دادگاهی که خواسته بود حکم ضبط اموالی را صادر کند، تعطیل شده. پیشینه‌های دادرسی مربوط به سومین دودمان پادشاهان اور (در حدود ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد) مربوط به اختلافاتی است که بر سر معاملات و وراثت و هبّه و طلاق وجود داشته است. مجموعه قوانینی که اندکی بعد پدید آمد «انا اتیشو» نامیده شده و مشتمل بر قوانین هفتگانه سومری درباره خانواده و مناسبات فرزند خوانده و پدر و مادر او و طلاق و برده است بر سه لوحة‌ای که مربوط به حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد است ۲۵ ماده قانون به زبان سومری نوشته شده که شش ماده آن در روابط خانوادگی و سه ماده تقریباً منطبق با مجمع القوانین حمورابیست و در چهار ماده سخن از برداشته است. در مورد دیگر بحث از فرزند خواندگی و کیفر آزار دادن به زنان باردار و زیان رساندن گاوان به چراگاهها و مراقبت با غها و تکالیف همسایه و تهمتها نارواست.^(۱)

به نظر دانشمندان اروپائی بطور کلی در بسیاری موارد این مقررات را با مجمع القوانین حمورابی مطابقت و مشابهتی است و این خود حاکی از آنست که مجموعه حمورابی زاده اندیشه حمورابی نبوده و در حقیقت گزیده‌ای از قوانین سومری است.^(۲)

مثالهای فوق تنها نمونه‌هایی از قوانین سومری تا زمان حمورابی است. علاوه بر این حمورابی در تنظیم مجموعه قوانین خویش از مجموع قوانین اکدی که متعلق به ادوار پیش از زوی می‌باشد نیز بهره جسته است. از این قوانین اکدی می‌توان به مجموعه قوانین ائشنونا^(۳) اشاره نمود که دو قرن پیش از حمورابی برای پایتحت ناحیه‌ای میان اکد و ایلام ترتیب یافته است و از بسیاری جهات شبیه قوانین حمورابیست سه قسمت از چهار قسمت مجمع القوانین حمورابی از مجموعه ائشنونا گرفته شده است.

خط سومریان

سنگ نبشته‌ها و گل نبشته‌ها و همه آثار مکتوبی که در نتیجه حفاریهای علمی توسط دانشمندان اروپائی و امریکائی در شهرهای سومری و ایلامی چون شوش، اور، نیپور بدست آمده و اکنون در موزه‌های آمریکا و اروپا نگهداری می‌شود همه به خط میخی اند. گرچه در بادی امر پیش از خط میخی القبای دیگری نیز که شبیه خط هیروگلیف بود وجود داشته لیکن عمر آن

زیاد نبوده است. به عقیده دانشمندان تاریخ نگار خط میخی را سومریان اختراع نموده‌اند. غالب اقوام منطقه در طول هزاران سال از این الفبا استفاده کرده‌اند. حتی داریوش سنگ نبشته خویش را به سه زبان، از جمله ایلامی و اکدی، با الفبای میخی نوشته است.

خدمات سومریان به تمدن بشری

سومریان خدمات بزرگی برای تمدن بشری انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- وضع قوانین و اداره جامعه بر اساس قوانین موضوعه.

۲- اختراع الفبا

۳- دست آوردهای سومریان در رشته‌های گوناگون علوم و صنایعی که در سومر پدید آمد و بعد از آن از ملتی به ملتی انتقال یافت و تکمیل شد تا به درجهٔ کنونی رسید. هر چه تحقیقات و کاوش‌های باستانشناسی پیش می‌رود روشن می‌شود که مصریان و یونانیان قدیم مبادی علم هیئت و طب و صنایع را از سومریها اقتباس کرده‌اند.^(۱)

۴- تقسیم شبانه روز به ۲۴ ساعت، هر ساعت به ۶۰ دقیقه، و دقیقه به ۶۰ ثانیه یادگار سومریان است.

۵- تقسیم دایره به ۳۶۰ درجه یادگاری است که از سومریان بازمانده است

۶- کشف برخی فلزات من جمله آلومینیوم از اکتشافات ۱۵۰-۱۰۰ سال اخیر بشر به شمار می‌رود. امروزه دنیای علم بر این است که دانشمندان در گذشته نزدیک از طریق الکترولیز موادی معین آلومینیوم بدست آورده‌اند، لذا دستیابی به این فلز را از موقوفیتها می‌نمایند. می‌شمارد. لیکن «bastansan از گورهای باستانی در چین که متعلق به پیش از دو هزار سال پیش است اشیایی بدست آورده‌اند که از آلومینیوم ساخته شده. ما می‌گوییم که این غیر ممکن است. هر کس می‌داند که تنها پس از دستیابی به سل الکترولیز استخراج آلومینیوم می‌شود است»^(۲)، لیکن دنیای علم که نمی‌خواهد وجود آلومینیوم را در چین دو هزار سال پیش قبول نماید در کمال بُهت و حیرت بنایجای می‌پذیرد که سه هزار سال پیش از آن در سومر "سل الکترولیز" و آلومینیوم وجود داشته است. اولجاس سلیمان در ادامه مطالب فوق چنین می‌نویسد: «و پس از رسیدن به چنین باور استواری، می‌توانیم سل الکترولیز را در سومر

مشاهده کنیم، یعنی پنج هزار سال قبل از ابداع فرآیند الکتروولیز»^(۱).

﴿اقراض سومریان﴾

سومریان در اواخر دوران حاکمیت خویش نسبت به اقوام تابع خود ستم پیشه ساختند. این ستمگری‌ها لشکرکشی‌هایی را ضروری می‌ساخت. این لشکرکشی‌ها نیز موجب هجوم ایلامیان شد. سرانجام ایلامیان یکی از شاهان سومر را به اسارت گرفته به شوش برداشتند. در ۲۲۸۰ ق.م "کودور نان خوندی" پادشاه ایلام شهر سومری "اور" را تصرف و غارت نمود و بدین ترتیب حاکمیت سومریان را منقرض ساخته و "نه" رب‌النوع آنان را به عنوان غنیمت به ایلام برد. سومر برای مدت ۶۰ سال بصورت بخشی از سرزمین ایلام درآمد، لیکن در ۲۲۳۹ ق.م بار دیگر سلاله‌ای سومری قدرت را بدست گرفت. ولی این بار "ریم سین" شاه ایلام در ۲۱۱۵ ق.م بصورت نهایی حاکمیت سومریان را منقرض ساخت. ایلامیان در دوران استیلای خود ستمگری‌های بسیار [در حق سایر اقوام] نمودند، که در نتیجه آن، دسته‌های مختلف اقوام سامی بسوی مغرب مهاجرت کرده و بعدها دولتها و تمدن‌های آشور، یهود، فینیقیه، و مصر را بوجود آورده‌اند. احتمال داده می‌شود که مهاجرت حضرت ابراهیم از بابل به فلسطین در همین دوره و در ارتباط با ستمگری‌های ایلامیان صورت گرفته است. پس از شکست سال ۲۱۱۵ ق.م برخی از طوایف سومری به آسیای میانه بازگشتند و بقیه نیز در میان سامیان مستحیل شدند.

اکدیان

یکی دیگر از اقوامی که مدت‌ها پیش از ورود آریاییان در این منطقه تمدنی پدید آورده‌اند اکدیان هستند. تمدن درخشان و شهرهای بزرگی که توسط سومریان و ایلامیان در عراق و خوزستان پدید آمد، نظر اقوام سامی را که در غرب، جنوب و تا اندازه‌ای شمال صحرای عربستان می‌زیستند جلب نموده و بتدریج آنان را بسوی سرزمین بین‌النهرین کشاند و سامیان به مرور به یکی از دو قوم اصلی این سامان تبدیل شدند. آنان در حدود سالهای ۲۸۰۰ ق.م چنان نیرومند شده بودند که در برخی شهرهای سومری حائز اکثریت بوده و حکومت این شهرها را در دست داشتند. در سال مذکور شخصی بنام «مانیشتو» پاتسی (حاکم) اکد شد و با استفاده از مقام و موقعیت خویش عنان حکومت را از دست سومریان خارج ساخته و سلسله سامی کیش را بوجود آورد. علی پاشا صالح درباره حاکمیت اکدیان در این دوره چنین می‌نویسد:

«قوم دیگری از نژاد سامی بنام اکدی در شمال آن سرزمین (عراق.م) و در حدود بغداد امروز زندگانی می‌کردند. نزدیک پنج هزار سال پیش اکدیان بر سومریان دست یافتند و پادشاه ایشان "سرگن" قلمرو خود را از مرز کرمانشاه تا شام و کرانه‌های دریای روم گسترش داد و سیصد سال دوران فرمانروایی اکدیان دوام داشت تا سومریان باز قدرت یافتند و شهر لاگاش را پایتخت خود قرار دادند و بجای زبان سامی که زبان اکدیان بود زبان سومری رسمی شد»^(۱).

بدستور سارگون همه قوانین و نوشته‌هایی که به زبان سومری بود، به زبان سامی ترجمه شد. بعدها "آشور بانیپال" شاه آشور از این ترجمه‌ها نسخه برداری کرده به آشور برد و بدینسان آنها محفوظ ماندند.

بو آمدن بابل

سلسله اول

استیلای ایلامیان بر بابل ۶۰ سال بطول انجامید، سپس در بابل سلسله شاهان سامی سر برآورد. ششمین پادشاه این سلسله حمورابی بود که در سالهای ۲۱۳۸-۲۰۸۰ ق.م سلطنت کرده و مجموعه قوانین معروف خود را بر اساس قوانین سومری پدید آورده و بر سنگ نقر کرده است. این سنگ نبشته در "موزه ایران باستان" تهران نگهداری می‌شود. (در مورد این سلسله‌ها و نیز سالهای پادشاهی حمورابی در میان تاریخ نگاران اختلاف نظر وجود دارد) حمورابی شاه ایلام را از "لارسا" بیرون راند. درباره اولین سلسله بابلی اطلاعات وسیعی در دست نیست. در دوران حاکمیت این سلسله هیتیان به بابل لشکرکشی و این سلسله را منقرض ساختند. در بابل چهار طبقه اجتماعی وجود داشت.

۱-روحانیون ۲-مستخدمندان دولت ۳-نظمیان ۴-تجار و کسبه

مجموعه قوانین حمورابی که با بهره‌گیری از قوانین سومری پدید آمده بود همه جنبه‌های زندگی را شامل می‌شد. حقوقی که حمورابی برای زنان قائل شده بود حتی بسیار متقدم‌تر از قوانین کنونی اروپا بود.

سلسله دوم

شاهان این سلسله در فاصله سالهای ۲۰۶۸-۱۷۱۰ ق.م حکومت کردند. این سلسله توسط کاسیان منقرض شد و در نتیجه بار دیگر حاکمیت بدست اقوام آسیانی افتاد.

سلسله سوم - کاسیان

کاسیان در کوههای لرستان کنونی، در شمال ایلامیان می‌زیستند و از اقوام آسیانیک بودند. سلسله کاسیان در فاصله سالهای ۱۷۱۰-۱۱۸۵ ق.م در بابل حکومت نموده است. در دوران حاکمیت این سلسله دولت آشور نیرومندتر گردید و دیگر بار در سالهای ۱۲۷۵ و ۱۱۰۰ ق.م در بابل استیلا یافت، لیکن سر انجام مغلوب شد. در دوران کاسیان "شوتروک ناخوتا" شاه ایلام بابل را تصرف نموده و همه اشیاء قیمتی من جمله سنگ نبشته "نارام سین" را به ایلام برد این سنگ نبشته در حفاریهای شوش بدست آمده است. بدینسان سلسله کاسی بابل نیز به دست ایلامیان منقرض گشت.

سلسله چهارم

از سال ۱۱۸۴ ق.م سلسله "پاش"‌ها که منسوب به نام یکی از محله‌های بابل بود بوجود می‌آید. فرمانروای مشهور این سلسله "نبوکد نصر" اول بود که تا سال ۱۰۵۳ ق.م سلطنت نموده است.

سلسله پنجم

این سلسله که بنام "بازی" معروف گشته از حدود سالهای ۱۰۵۲ ق.م تا حوالی سال ۷۳۲ ق.م حکومت کرده است. در دوران حاکمیت این سلسله، ایلامیان بار دیگر شهر بابل را متصرف شده و یک شاه ایلامی را در آنجا بر تخت نشاندند. نیز در این دوره گوتیان که در اراضی آذربایجان می‌زیستند از سوی شمال به بابل حمله کردند. مقارن همین دوران کلدانیان نیز که از اقوام سامی بودند با ظهور در منطقه وارد عرصه سیاست گردیده و برای دستیابی بر بابل تلاش آغاز ییدند. لذا میان ایلامیان، آشوریان و کلدانیان برای بدست گرفتن قدرت رقابتی آغاز گشت. از اینرو این سالها، دوران پیکارها و اغتشاش‌ها و کشمکشهاست. در نتیجه این کشمکش‌ها سرانجام حکومت بابل در سال ۷۳۲ ق.م از سوی آشوریان منقرض شد و بابل بصورت بخشی از امپراتوری آشور در آمد. بعدها با پایان یافتن حاکمیت آشوریان در بابل، در آنجا سلسله‌ای "بابلی - کلدانی" در رأس امور قرار گرفت.

ایلامیان

دومین اقوامی که چند هزار سال پیش از آریائیان، به تقریب مقارن با سومریان به این منطقه در آمده دولتی تشکیل داده و تمدنی درخشنان برآورده است، و تأثیری مهم در تمدن اقوام معاصر خود و پس از خود گذار دند ایلامیان بودند، ایلامیان نیز بسان سومریان از زمرة اقوامی به شمار می‌روند که از پدید آورندگان نخستین تمدن‌های بشری بوده‌اند.

ایلامیان در منطقه‌ای که از رشته کوه‌های زاگرس تا لرستان و خوزستان گسترده بود سکونت داشتند. همچون سومریان زمان دقیق در آمدن ایلامیان نیز به این نواحی دانسته نیست. ایلامیان در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد دارای الفبا و کتابت بوده‌اند و از همین دوران همواره با سومریان و اکدیان جنگیده‌اند. زبان ایلامیان نیز چون سومریان از گروه زبان‌های التصاقی بود و مانند آنان از آسیای میانه به این ناحیه آمده بودند. در کتاب "تاریخ حقوق" علی پاشا صالح در این باره چنین می‌خوانیم:

«در همان زمان (زمان سومریان م.) قوم دیگری در خوزستان امروز و دامنه کوه‌های بختیاری دولتی تأسیس کرد که دولت عیلام خوانده می‌شد و پایتخت آن شهر شوش بود و اهواز نیز از شهرهای مهم آن بشمار می‌آمد. پس از جنگهای ممتدی که میان عیلام و سومر و اکد روی داد سر انجام دولت واحد سومر و اکد منقرض شد»^(۱).

پس از خروج سومریان از عرصه تاریخ، ایلامیان برای مدتی طولانی یکی از مهمترین قدرت‌های سیاسی منطقه بودند. لیکن آنان نیز سر انجام در نتیجه نبرد با اقوام سامی عنان اقتدار را از دست داده و جای به حکومت بابل سپردند که سامیان در رأس آن بودند.

تا اوایل قرن بیستم اطلاعات ما از ایلام منحصر به محملی بود که تورات از آن کرده است، ولی در اوایل این قرن بر اثر حفریاتی که توسط دمورگان در شوش انجام شد اطلاعات دقیقی از ایلامیان بدست آمد.

«در عهد قدیم ایلام اطلاق می‌شد به مملکتی که از این ولایات ترکیب یافته بود: خوزستان، لرستان، پشتکوه، کوه‌های بختیاری حدود این مملکت از طرف مغرب دجله بود، از طرف مشرق قسمتی از پارس، از سمت شمال، راهی که از بابل به همدان میرفت و از سمت جنوب خلیج فارس تا بوشهر، شهرهای مهم این مملکت، شوش (پایتخت ایلام. م)، ماداکتو، خایدالو (احتمالاً در جای خرم آباد کنونی بوده) و اهواز بوده‌اند»^(۲).

اور مو کیتابخاناسی

<http://urmu.birolmali.com>